

شلتوت پاسخ میدهد

« چون اخیراً سئوالاتی از علامه بزرگ شیخ شلتوت رئیس جامع الازهر درباره فتوای ایشان که در مورد برسمیت شناختن مذهب شیعه صادر گردیده است شده بود از دانشمند محترم آقای محمد تقی شریعتی خواستیم که متن پرسشهای آقای ابوالوفاء کریستانی و پاسخ علامه شیخ شلتوت را ترجمه نمایند تا برای تکمیل این فتوای تاریخی که در شماره دوم این مجله درج شده است همراه با مقدمه‌ای بقلم مترجم محترم در نامه آستان قدس درج گردد »

کتابخانه

مقدمه

از بزرگترین گام‌هایی که در راه ایجاد اتحاد و انفاق میان مسلمین و تقویت عاطفه اخوت دینی و محبت برادری اسلامی فیما بین شیعه و سنی برداشته شده است همان فتوای مهم تاریخی رئیس دانشگاه از هر حضرت شیخ محمود شلتوت سلمه الله تعالی میباشد هر چند در هر دوره و زمانی افرادی کوتاه فکر و مفسده جو و فتنه انگیز بوده اند که آتش کینه و عداوت را در جامعه اسلامی بیبانه اختلافات مذهبی برافروخته و گاهی کار را بجنک و خون ریزی و برادر کشی میکشاندند ولی در همان حال مردانی بزرگ و بلند نظر و علمائی متبحر و دلسوز و خیر خواه همواره نیز در صدامتثال او امر مکرر و کد قرآن و اجراء فرامین صریح و اکید بیغمبر (ص) بر آمده در راه اصلاح ذات البین و رفع اختلاف و شقاق و ایجاد وحدت و وداد و وفاق میان مذاهب مختلفه اسلامی کوشیده‌اند مجاهدات و مساعی این دانشمندان بخصوص در قرون اخیره که دست‌هایی در تشدید و توسعه اختلاف کوشیده و مسلمانان را دچار تشتت نموده است بسیار گران‌بهار و باارزش تر است و از افتخارات قرن ما تأسیس دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه بهمت مردانه اینگونه فضلا و علما از شیعه و سنی است که با پشتیبانی مقامات عالی روحانی دو طائفه موفقیت‌های بزرگی حاصل نموده است مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه الشریف تا آخرین دقایق حیات بیاد دار التقریب بود و روز قبل از وفاتش همینکه از جمله شدید قلبی بهوش آمد از دهر کل آن آقای شیخ محمد تقی قمی که آن ایام

بایران آمده بودند جويا شده و پرسیدند که آیا ایشان حرکت کرده‌اند یاخیر؟

و همچنین جناب شیخ محمود شلتوت همکارهای قابل تقدیر و تمجیدی با اینمؤسسه بسیار سودمند داشته‌اند تا توانسته قدمهای بلندی در طریق وصول بهدفعهای عالی و مقدسش بردارد و از برجسته‌ترین موقیتهای افتخار آمیز دارالتقرب که بدون تردید در تقریب بین مذاهب اسلامی فوق‌العاده مؤثر است فتوای شیخ شلتوت بحو از تبعیت از مذهب شیعه است

حضرت علامه شلتوت با این اقدام مردانه و خیرخواهانه خود برای اولین مرتبه در تاریخ اسلام بمذهب شریف شیعه امامیه در میان اهل سنت مانند سایر مذاهب اربعه رسمیت داد و آنرا معتبر و قابل اتباع شناخت و باین وسیله نام نیک خویش را در ردیف مصلحین بزرگ جهان تا ابد مخلص گردانید و دانشمند مفضل جناب آقای شیخ محمد تقی قمی دبیر کل دارالتقرب فتوای مذکور را که در لوحه زیبایی نوشته و بامضای شلتوت رسیده بود در انجمن عظیم در شهر مشهد با حضور علما و فضلا و طلاب و رؤساء ادارات و جمع کثیری از طبقات دیگر پس از سخنرانی متین و جامعی تقدیم آستان قدس رضوی نمودند گراور آن لوحه و اصل و ترجمه فتوی و کیفیت تقدیم آن در شماره دوم نامه آستان قدس ثبت و درج است

از روز انتشار این فتوی اعتراضاتی از طرف بعضی افراد که اینگونه احکام و فتاوی برای آنها بسهولت قابل هضم نیست بعمل آمده است که هم خود شیخ و هم دیگران بآنها جواب داده‌اند از جمله آنها اعتراض ملایمی است که آقای ابوالوفاء کریستانی بصورت پرسشهایی از معظم له نموده و شیخ بانها پاسخ گفته است و ما برای اطلاع خوانندگان نامه آستان قدس سئوالات و جوابها را ترجمه نموده بنظر شریفشان میرسانیم

محمد تقی شریهتی

محضر انور سرور گرامی ابوالفضائل استاد اکبر حضرت شیخ محمود شلتوت
رئیس دانشگاه ازهر شریف مدظله

پس از تقدیم سلام و اهداء مراسم احترام بحضور عالی معروض میدارد اینجانب صورت فتوای جنابعالی را که بتوقیع شخص سرکار موشح بود دوباره جواز عمل بر وفق مذهب شیعه امامیه در ذیل رساله ایکه استاد شیخ محمد تقی قمی دبیر کل دارالتقرب انتشار داده‌اند دریافت نمودم (۱)

اما در اصل مسأله تقریب بین مذاهب و عقیده من بلزومش مناسب است بگفته ابن فارض که خدایش رحمت کنادتمثل جویم که میگوید شربنا علمی ذکر الحیب هدامة سکرنا بها من قبل ان یخلق الکرم - وقالوا شرب الائم کلا وانما شربت الی ترکی لها عندی الائم (۱) (ما پیش از آنکه تاك آفریده شود بیاد دوست می نوشیدیم و بآن مست شدیم گفتند تو حرام خوردی نه چنین است من چیزی آشامیدم که بعقیده من ترکش حرام و گناه است) آری من این فکر را از آغاز کودکیم از یکخانواده شافعی که در آن بالیدم و بتربیت صحیح آن پرورش یافتم فرا گرفتم و برائش همین تربیت خانوادگی باخانواده شیعه ای ازدواج کردیم که آنها نیز معتقد بوجوب رفع اختلاف میان فرقه های اسلامی بودند و از این ازدواج خداوند چند فرزند بما داد که همه آنها بررورش پدر و مادر خویشند و ما در این راه بسیار پسنده میرویم و میکوشیم و ما هم اکنون همگی باور داریم و براین دل بسته ایم که تنها راه وصول با ایجاد وحدت و هماهنگی میان ایندسته های پراکنده همان اندیشه تقریب است و بس ولی من در اصل فتوی و آنچه پیرامون آن گفته شده با یکنوع ابها می رو برو شدم که مرا ناگزیر ساخت بیرسم و توضیح مواد آن را از حضرت استاد بزرگ بطور کامل خواستار شوم امیدوارم این پرسشها را بر گوشه و کنایه زدنهایی حمل نفرمایند از قبیل آنچه در حواشی چاپ اخیر کتاب (العواصم من القواصم) در باره بعضی منسویین بدانشگاه از هر و رفت آمد کنندگان بدارالتقریب گفته و نوشته شده است بلکه امیدوارم این سئوالات را در ردیف سئوالی بدانید که یکنفر مقلد عامی از مرجع تقلیدش در خصوص فتوائی که داده است مینماید و یا از مسائل دیگری که بفتوای ارتباط پیدا مینماید راهنمایی میخواهد اینک مواد ابهام را بعرض میرساند تا اگر لطفی فرموده آنها را بر ایم روشن کنید مرا از این مضیقه ها ساخته و خود باجر و ثواب رسیده اید

۱ - مقصود از این عبارت « هر يك از مذاهبی که بطریق صحیح نقل شده و احکامش در کتب مخصوص بآن ثبت و تدوین گشته است » (۲) در ماده نخستین فتوای جناب عالی چیست ؟ آیا از مذاهبهای تدوین شده در کتبی است که از امامان چهارگانه معروف (ائمه اهل سنت) روایت شده یا شامل غیر آنها هم میشود ؟ در صورت دوم مدار در صحت نقل و شایستگی راویان دیگر مذاهب نزد ما (اهل سنت) چیست ؟

۱ - درست مضمون همین شعر فارسی است.

بودم اینروز من از سلسله درد کشان که نه از تانک نشان بود و نه از تانک نشان

۲ - شیخ شلتوت در فتوای خود گفته بود هر مسلمانی میتواند بهر يك از مذاهبی

که بطریق صحیح عمل کند در اینجا سئوال کننده توضیح میخواهد

۲- آیا منظور از جمله «مانند سایر مذاهب سنت» در ماده دوم فتوی این است که طریقه شیعه اثنی عشریه از طرق تسنن شمرده شود؟ بنابراینکه لفظ (سائر) از (سور) که بمعنی باقی است گرفته شده و استمالش بمعنی (جمع) نادرست میباشد چنانکه ابن اثیر و سائر ائمه لغت ذکر کرده اند (۱) و آیا حکم بجواز تبعیت از مذهب امامیه مقلدین سایر مذاهب را هم شامل میشود یا این فتوی مخصوص پیروان همین مذهب تنها است چنانکه از تمکیک آن ماده از ماده اولی استنباط میشود

۳- آیا جناب شما معتقدید که فکر تقرب کامیاب میشود و بدون آنکه مقامات مؤثر مساعدت معنوی و حقیقی با آن داشته باشند به نتیجه میرسد؟

آنچه من میدانم این است که در کشورهای اهل سنت کمتر تالیفات جدیدی یافت میشود که آتش اختلاف را برافروزد ولی در بلاد تشیع تالیفات تازه بسیار است که این آتش را فروزانتر میسازد مانند کتاب (الغدیر) در متجاوز از ده جلد بزبان تازی و کتاب (شبهای پیشاور) بزبان فارسی در یک مجلد بزرگ و نیز کتابهای بسیاری که در ادوار گذشته بالحن تندوزنده ای تالیف یافته که قبلاً چاپ نشده یا پس از چاپ نسخه هایش تمام شده است و اینک طبع و یا تجدید طبع شده و نشر میگردد اولی مانند کتاب النقض و کتاب (تحفة الاخبار) و دوم مانند کتاب (احقاق الحق) و امثال آن و شك نیست که اینگونه مطبوعات جدید مغل بمقاصد جمعیت تقرب است آیا برای ارکان دارالتقرب و بخصوص برای استاد قومی دبیر کل بااهتمام خاص که باین امر دارد ممکن نیست که راهی برای محدود ساختن این نوع انتشاراتیکه با روح وحدت و اتلاف منافی بوده مانع از وصول جمعیت تقرب به هدفهای شریفشان میباشد بیابند؟ (۲)

در پایان گفتار ثانیا عرض سلام و تجدید احترام میکنم و منتظر پاسخ هستم

بنده - ابوالوفاء مهتمدی کریستانی

۱- شیخ شلتوت در ماده دوم فتوای خود فرموده بود «مذهب جمفری معروف بمذهب شیعه امامیه اثناعشریه مذهبی است که (مانند سایر مذاهب اهل سنت) پیروی از آن بحکم شرع جایز میباشد» سؤال کننده میخواهد بگوید که لفظ سایر بمعنی باقی است در اینصورت معنی جمله این میشود (که مذهب شیعه مانند باقی مذاهب سنت و لازمه این تعبیر این است که شیعه را مانیز داخل در اهل سنت بشماریم و شیخ جواب میدهد

۲- هر چند نامه مودبانه آقای ابوالوفاء که بقول شیخ شلتوت متضمن روح مودت و رغبت در شناختن حق و پیروی از آنست از جهاتی موجب خشنودی و خرسندیست ولی در اینمورد برخلاف حق و انصاف سخن گفته است حال چه عدم اطلاع ایشان و چه تعصب

پاسخ رئیس دانشگاه از هر آقای شلتوت

برادر دینی گرامیم آقای ابوالوفا معتمدی کریستانی

درود و رحمت خدا بر شما و بر جمیع برادران دینی مان بادوهم بر کسانیکه با دانش و قلم و کوشش شایسته خویش در راه خدا جهاد مینمایند
 اما بعد نامه آن برادر گرامی را دیدم و بسیار شادمان شدم زیرا متضمن روح مودت و اعتماد و رغبت در معرفت و متابعت حق بود و نیز موجب کمال خرسندیست که مرقوم داشته‌اید از فکر تقریب بین مذاهب اسلامی به پشتیبانی میفرمائید و از آغاز کودکی ایمان مذهبی و طرفداری او از اهل سنت موجب آن شده باشد جای کمال تاسف است .

ما چون بسیار حربص بر وحدت و اخوت اسلامی و اتحاد حقیقی میان مسلمانان هستیم از آنچه بعضی از اهل سنت حتی در همین اواخر نسبت بشیعه گفته و نوشته و کرده اند حرفی نمی‌زنیم ما امثال (ابراهیم جبهانی) پلید ناصبی را که حتی نسبت بخویشان پیغمبر جسارت نموده و برخلاف دستور صریح قرآن بجای مودت ذوی القربی در باره آن بزرگواران ابراز عناد و عداوت کرده و هنوز مرکب نامه‌اش بشیخ شلتوت خشک نشده است از اهل تسنن نمی‌شарیم ولی خوب بود آقای ابوالوفاء تحقیق و تفتیش بیشتری مینمود تا حقیقت حال را بفهمد و بداند که شیعه در برابر هزاران توهین و تشنیع و تهمت و افتراء و سب و شتم و نسبت‌های نارواحتی از مشایخ ازهر مانند شیخ محمد خضری که از یزید شراب خواز کافر فاجر دفاع نموده و سبط رسول اکرم و سرور جوانان اهل بهشت و سید شهیدان راه حق و دیانت و حریت را

و هم در قضیه حره مردم شریف مدینه را محکوم ساخته و مقصر دانسته است آری شیعه در برابر اینگونه کتب و چنین اشخاص گاه بگاه بدفاع پرداخته و از حق و صاحبان حق طرفداری نموده است هیچگاه شیعه حمله را آغاز نکرده بلکه در مقابل حمله حالت مدافع داشته است و **الابادی اظلم** حال اگر در برابر هزارها دشنام و ناسزا خود را نمیتوانسته است از ناسزا گفتن حفظ کند خیلی سزاوار ملامت نیست **لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم** ولی ما امیدواریم طرفین بخود آیند و از این اختلافات و دشمنیها دست بردارند و با وحدت و یگانگی اسلام را تقویت نمایند و بعلماء عاقل و عامل خود مانند آیت الله بر و جردی - مرحوم و رئیس محترم دانشگاه ازهر شیخ شلتوت اقتدا نمایند و بناصبی‌ها و غلاة و هم بدشمنان دین مجال تفتین ندهند تا در سایه این اتحاد و همکاری و برادری مسلمین مقام خویش را باز یابند و اسلام بتواند رسالت خویش را بانجام رساند و بشریت را از خطر اضمه حلال و استیصال نجات دهد انشاء الله تعالی

بآن باروح و قلبتان آمیخته و در ادوار مختلف حیات بمقتضای آن کار کرده اید و در این راه گام زده اید آری برادر بزرگوار این خود دلیل وسعت نظر و روشن بینی شماست مگر میشود که خداوند امر بالفت کند آنگاه از پراکندگی راضی باشد ؟

و نیز محال است که پروردگار حکیم در کتاب ارجمندهش این حقیقت ثابت را با برجا نموده بفرماید « **هَمَانَا مَوْهِنَانِ** برادران یکدیگرند » و در عین حال خشنود باشد از آنها که میخواهند آنچه را خداوند بیوستنش فرمان داده است بگسلند و بتباهی و تبهکاری در روی زمین بکوشند و در اطراف کسانیکه در دایره کتاب خدا و سنت پیامبرش و روش پیشینیان شایسته و مؤمنان نیکوکار گذشته با کمال خلوص و از روی اخلاص کار میکنند آری در اطراف چنین مردمی ستمپاشی مینمایند و در پیرامون اینگونه مردانی شریف غبار شکوک و اوهام بر میانگیزند و اذهان بیخبران را نسبت بآنها مشوب میسازند هرگز خداوند از اینان راضی نخواهد بود .

باری شما از من خواسته اید بسئالات جناب عالی راجع بفتوائیکه بجواز تبعیت از مذهب شیعه امامیه داده ام پاسخ گویم اینک بسروفق میل شما بیاری خداوند بجواب میپردازم .

جواب سؤال اول (۱) اولاً مقصود ما از (مذاهبی که بطریق صحیح نقل شده و احکامش در کتب مخصوص بآن تدوین یافته باشد) هر مذهبی است که این حکم بر آن منطبق باشد و سیاق فتوی در این باره کاملاروشن است زیرا مادر مقام رد بر کسانیکه گمان کرده اند تبعیت یکی از مذاهب چهارگانه سنت واجب است گفته ایم « هر مسلمانی حق دارد از آغاز کارش هر یک از مذاهبی را که بطریق صحیح نقل شده و احکامش در کتب مخصوص بآن تدوین یافته پیروی کند و هر کس یکی از مذاهب مذکور را داشته میتواند بدیگری از آنها عدول کند هر مذهبی میخواهد باشد باکی بر او نیست) پس نه ما خواسته ایم مذاهب حقه را منحصر بهمان مذاهبهای چهارگانه اهل سنت نمائیم و نه عبارت چنین چیزی را میرساند .

ثانیاً - اینکه گفتیم (احکامش در کتب مخصوص بآن تدوین یافته باشد) برای این است که ما بسیاری از اوقات می بینیم بعضی کتب مذهبی از مذهب مخالفین خود مطالبی نقل میکنند که اساساً درست نیست یا دقت در ضبط نکرده مطلب را تحریف نموده اند علت این امر گاهی آشنا نبودن ناقل بحقیقت مذهب مخالفش میباشد و نمیداند

۱ - شیخ در جواب خود سئالات را هم مجدداً نقل نموده ولی چون آنها با همین جواب چاپ میشود ما نقلش را زائد دانسته حذف کردیم.

که مورد اعتماد و استناد در آن مذهب چیست؟ و گاهی میل نوبسندنده بزشت نشان دادن انمذهب بر اثر تعصبات بیجای مذهبی است بنابراین هر وقت بخواهیم مذهبی را بشناسیم بر ما واجب و لازم است که با احتیاط اقدام کنیم و بدون شك كتب مخصوص بآن مذهب فقط میتواند ما را باین هدف برساند.

ثالثاً - مدار در صحت نقل و اعتماد در هر مذهبی بر آنچه تدوین یافته نسبت بقدمای همان روشی است که داشته اند از تحقیق انتساب و اسناد و تفحص از روایات و اسلوب اخذ روایت و امثال آنها

اما نسبت بما علماء جدید و معاصر علاوه بر آنچه قدمای ما انجام میداده اند تتبع کتب مختلفی است که درازمنه متفاوت تالیف شده بطوریکه یقین کنیم که در آنچه این کتابها نقل میکنند تصحیف و تحریفی واقع نشده و دروغی در آنها وارد نگشته است و ما برای این مطلب از کتب سنت که جلو رویمان هست صحاح یا غیر صحاح را مثال میاوریم ما آنچه از روی کتب قدیم نوشته شده یا چاپ رسیده میخوانیم و گاهی در برخی از آنها تحریفی یا کاهش و افزایش می یابیم بدیهی است که اهل علم و تحقیق با مراجعه بشسخ متعدد و تحقیق در متون کتب و نصوص روایات بزودی آن را درک میکنند از این مرحله که بگذریم نوبت بآزمایش و بررسی در صحت و سقم روایت میرسد و در هر مذهبی کتابهای خطی و چاپی هست که همین روش در تحقیق نسخه های هر دو نوع و متون آنها سپس در تحقیق روایات و حال راویان آنها باید اتخاذ شود باین طریق میتوان مذهبی که نقل شده اعتماد پیدا نمود و حقیقتش را دست آورد

جواب سؤال دوم اولاً کلمه (سائر) در سخن علما گاهی بمعنی (جمع) گاهی بمعنی (باقی) بکار میرود و ممکن است لفظی در اصطلاحات علمی و غیر علمی معنی وسیعتری از معنی لغویش بشوئی از تسامح پیدا کند و اعتبار بقریبهای است که مقصود را روشن کنند و عبارت فتوی روشن است و بخوبی میرساند که مقصود مساوی شمردن مذهب شیعه امامیه و اثنی عشریه با جمیع مذاهب اهل سنت است در صورتیکه بطریق صحیح نقل شده باشد

ثانیاً - حقیقت این است که تقسیم مذاهب بشیعه و سنی فقط اصطلاحی در نام گذاری است و گر نه همه مسلمانها اهل سنت هستند زیرا عمومشان عمل کردن بسنت پیغمبر (ص) را واجب میدانند و شیعه نیز قطعاً و یقیناً همچنین است زیرا شیعه هیچگاه نمیگوید حدیثی از پیغمبر رسیده و با اینکه این مطلب ثابت است من بآن عمل نمیکنم و آن را ترك مینمایم بلکه اوهم مانند جمیع مسلمین میگوید هر گاه حدیث بصحت پیوست همان مذهب من است ولی خلاقی که گاهی واقع میشود در ثبوت حدیث نزد طائفه ای

وعدم ثبوتش نزد طائفه دیگر است برای توضیح این مقصود آنچه را برادرمان علامه مرحوم شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء شیعی امامی عراقی در برخی نوشته‌هایش گفته اینجا نقل میکنم «اینجا دو قضیه است یکی صفری و دیگری کبری که قیاس واحدیرا تشکیل میدهند و صورتش این است (۱) این (حدیث و روایت یا حکم و دستور) از پیغمبر رسیده (۲) و هر چه از پیغمبر رسیده باشد عمل بآن شرعاً واجب است جمله اخیر کبری است و در میان مسلمین خلافتی و اختلافی در آن نیست بلکه تمامشان باجماع آن را قبول دارند و جای هیچگونه شک و تردیدی نیست فقط مورد اختلاف جمله اول (صفری) است»

ثالثاً از عبارت فتوی بروشنی دانسته میشود که جواز پیروی از مذهب امامیه پیروان سایر مذاهب را نیز شامل است زیرا عین عبارت ما در ماده اول فتوی این است «برای هر کس که پیرو یکی از این مذاهب باشد حق عدول به مذهب دیگری هست هر مذهبی که باشد و باکی بر او در این عمل نیست» و نیز در آخر فتوی گفته‌ایم «دین خدا و شریعتش تابع مذهبی و منحصر در مذهبی نیست پس عموم (ائمه مذاهب) مجتهدند و نزد خدا مقبول و هر کس اهل نظر و اجتهاد نیست میتواند از آنها تقلید نموده بروفق فتاوی و آدابیکه بیان داشته اند عمل نماید»

جواب سؤال سوم این سؤال اصلاً با فتوی ربطی ندارد بلکه مربوط بروش جمعیت تقریب در دعوتش میباشد و عقیده اینکه شمادر خط مشی آن دارید و ممکن است جنابعالی بمجمله رساله الاسلام رجوع فرمائید تا در آن مقصود خود را بیابید و آرامش خاطر حاصل شود انشاءالله تعالی

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(اخرجه احمد و عن علی) قال كانت امی فاطمة بنت اسد تکفی
عمل خارج البيت و فاطمة بنت محمد (ص) تکفی عمل البيت .
(ینابیع المودة ج ۱ ص ۱۷۰)

از احمد حنبل ، و از علی (ع) است که فرمود مادرم فاطمه دختر
اسد کار بیرون خانه را کفایت میکرد و فاطمه دختر محمد (ص)
کارهای داخل خانه را .